



توصیه شهید روشن‌روان به دانش‌اموزان

سعید روشن‌روان شهید دوران دفاع مقدس در وصیت‌نامه خود آورده‌است: تو ای هم‌رزم و دوستم، خود بهتر می‌دانی که این انقلاب به چه نحوی به پیروزی رسید، نکند بی تفاوت بنشین و دنیا را بر آخرت ترجیح دهی. شما دانش‌اموزان همواره طالب حق باشید و حق بگویید و در اجرای دستورات الهی استوار باشید.



توصیه

توصیه‌ای به والدین امروز

«زمانی» در توصیه‌ای به والدین امروزی گفت: بچه‌های امروز با مفهوم قناعت آشنایی ندارند و خیلی‌هایشان اهل کار نیستند. انگار مادرها فرزندان‌شان را رها کردند، برایشان زمان نمی‌گذارند و در عوض دائم با تلقین همراه خود مشغول‌اند. بچه‌ها وقتی مفهوم قناعت، فداکاری و احساس مسئولیت را در خانه نیاموزند، نمی‌توانند در آینده به آن عمل کنند. مادران باید به فرزندان خود مسئولیت بدهند و از آن‌ها بخواهند در امور خانه مشارکت کنند. این روزها که فضای جامعه با گذشته فرق کرده‌است، مادران باید بتوانند در محیط منزل، فرزندان‌شان را برای حضور صحیح در جامعه آماده کنند. علاوه بر آن، حفظ حرمت پدر و مادر در خانه نیز مسئله مهمی است که این روزها کم‌رنگ شده‌است.

گزیده

خانواده الگو

مادر شهیدان روشن‌روان درباره نحوه شهادت فرزندان نوجوان خود می‌گوید: پسر بزرگ ناصر تقریباً ۱۶ ساله بود که به جبهه رفت. البته ما آن زمان خیلی راضی نبودیم و می‌ترسیدیم چون سن او کم بود مورد سوءاستفاده منافقین قرار بگیرد. معصومه زمانی ادامه می‌دهد: اما مسجد محله که

شهادت در این خانواده موروثی است

معصومه زمانی سرزنده علاوه بر اینکه دو پسر خود را در راه دفاع از میهن فدا کرده‌است، همسر و خواهر شهید هم محسوب می‌شود. علی‌اصغر روشن‌روان، پدر خانواده که در

هر دو فرزندم در ۱۷ سالگی به شهادت رسیدند

بچه‌ها از طریق آن اعزام می‌شدند از پسرها مطمئن بود و با اعزامشان موافقت شد، ناصر در ۱۷سالگی در عملیات والفجر ۳ در کوه‌های کله‌قندی مهران شهید شد. او توضیح می‌دهد: ناصر بیسیم‌چی بود و در یک حمله ایذایی به شهادت رسید و هنوز هم پیکرش برنگشته است. هم‌زمانش گفتند گلوله به شکمش اصابت

سال‌های هشت سال دفاع مقدس همراه فرزندان‌ش در جبهه حاضر بود، سال ۱۳۹۴ در فاجعه منا به شهادت رسید و به پسرانش پیوست. این شهید در حج خونین سال ۱۳۶۶ نیز در

کرده اما وضعیت عملیات به گونه‌ای بوده که امکان بازگرداندن پیکر شهدا وجود نداشته است. هنوز هم خبری از بازگشت ناصر نیست، اما من از سرنوشت فرزندم راضی‌ام و خدا را شاکرم که هنوز هم گمنام است. این مادر شهید درباره شهادت فرزند دومش هم این‌طور

میان حجاج حضور داشته است اما تقدیر طوری رقم خورد که در آن سال با وجود جراحت و حملات مأموران سعودی، جان سالم به در برد. دایی شهیدان روشن‌روان یعنی برادر معصومه

روایت مادر دو شهید نوجوان از تربیتی که ختم به شهادت شد

از کار خیر تا جبهه



شهید غفوران

او ادامه می‌دهد: اتفاق دیگری که فکر می‌کنم روی بچه‌ها خیلی تأثیرگذار بود، کمک‌های ما به مستضعفان بود. پسرها را حتماً همراه خودم می‌بردم و به آن‌ها مسئولیت می‌دادم. مثلاً تلویزیون تهیه می‌کردیم و همراه ما یحتاج اولیه به خانه نیازمندان می‌بردیم؛ من پسرها را مأمور می‌کردم تلویزیون را برای آن خانواده خواهرم هم بودند. همگی در حیاط با هم بازی و شیطنت می‌کردند اما همگی در فضایی مذهبی تربیت شده بودند. در آن زمان همه بچه‌ها به مسجد الجواد(ع) در ابتدای خیابان دانشگاه می‌رفتند. پس از انقلاب هم بچه‌ها در بسیج همین مسجد رشد کردند. برادرم حسین در بسیج در واقع سرپرست بچه‌ها بود و خیلی روی روحیه آن‌ها تأثیر داشت. پس از شهادت حسین فهمیدیم جمعه‌ها کارگری می‌کرد و تمام دستمزدش را به نیازمندان می‌بخشیده است. از بچه‌هایی که آن زمان در خانه مادرم بازی می‌کردند فقط دو پسر مانده و چهار پسر دیگر شهید شدند.

پسرها از بجگی با فضایی ایثار و فداکاری عجین بودند

مادر شهیدان روشن‌روان می‌افزاید: من اوایل جنگ گریه می‌کردم و ناراحت بودم که چرا مرد نیستم که بتوانم بجنگم. خب پسرها در آن زمان با وجود اینکه کم‌سن و سال بودند، این صحنه‌ها را می‌دیدند و روی آن‌ها اثر داشت. یا مثلاً زمانی که کتاب‌های جنگ الجزایر را می‌خواندم، ناصر هم تحت تأثیر من شروع به خواندن کرده بود. از طرفی ما هر هفته مراسم دعای کمیل در خانه یکی از شهدای جنگ یا انقلاب برگزار می‌کردیم. از این‌رو بچه‌ها با فضایی شهادت عجین شده بودند.

گفت‌وگو

مادر شهیدان روشن‌روان:

در نوجوانی پا روی دلم می‌گذاشتم



تربیت چنین فرزندی فقط از دامن پاک مادری برمی‌آید که خود مسیر رشد و ایمان را تا حدی طی کرده باشد. مادر شهیدان روشن‌روان درباره دوران مجردی خود گفت: من در خانه‌ای بزرگ شدم که فضای ایمانی و مذهبی بر آن حاکم بود. مثلاً مادرم به ما یاد داده بود پس از هر بار آب خوردن حتماً سلام بر حسین(ع) بگوییم. یا شب شام غریبان چراغ‌های حیاط را روشن نمی‌کرد و کمتر به ما خوردنی می‌داد. می‌گفت امشب فرزندان امام حسین(ع) در شرایط سختی هستند. خب این‌ها روی من هم تأثیر داشت. وقتی مجرد بودم در زمان شاه که موسیقی‌های مبتذل به وفور شنیده می‌شد، همه سعی‌ام را می‌کردم به آن‌ها گوش نکنم. معتقد بودم در روحیه من تأثیر منفی می‌گذارند. خب من هم دوست داشتم رادیو و موسیقی گوش کنم. اما پا روی دلم می‌گذاشتم. وی ادامه داد: وقتی باردار بودم، برای تمام بچه‌ها هر روز سوره یوسف(ع) می‌خواندم. آن زمان اعتقاد داشتیم تأثیرهای خودش را دارد. همین‌طور هم بود، همه دوست داشتند بچه‌ها را بغل بگیرند و حسابی بین اطرافیان محبوب بودند.

اوایل جنگ گریه می‌کردم که چرا مرد نیستم

این مادر شهید درباره روحیات خودش در دوران دفاع مقدس توضیح داد: شروع‌کننده حال و هوایی که بچه‌ها را راهی جبهه کرد در خانه من بودم. علاوه بر این، همسر، برادرم و عموی بچه‌ها هم که دائم در جبهه و پای کار بودند تأثیر زیادی داشتند اما می‌توانم بگویم در خانه خودمان، من این مسیر را برای بچه‌ها باز کرده‌بودم. زمانی بیان کرد: در آن زمان دلم می‌خواست پایه‌های مردها از فضیلت جهاد و جنگ بهره ببرم. ناراحت بودم و فکر می‌کردم مردها برنده میدان هستند، جلو بچه‌ها حرفی نمی‌زدم اما آن‌ها از حال و هوای من متوجه می‌شدند. پشت جبهه هم فعالیت زیادی در مسجد و بسیج داشتمیم. مثلاً به جنگ‌زده‌هایی که از آبادان و خرمشهر آمده بودند شبانه‌روز خدمت‌رسانی می‌کردیم. در آن زمان حمید پسر کوچکم را هم همراه خودم می‌بردم.

حال و هوای مادر پس از شهادت فرزندان

او با اشاره به سختی‌هایی که در نبود همسر و فرزندان‌ش تحمل می‌کرد افزود: پسر کوچکم حمید هم پس از شهادت برادرانش خیلی بی‌تاب بود. پدرش راضی نبود که به جبهه برود اما من راضی‌اش کردم. خودم حمید را راهی کردم و گفتم اگر عمرت به دنیا باشد برمی‌گردد و گرنه با عزت از دنیا می‌روی. اما قطعنامه امضا شد و جنگ به پایان رسید. در آن دوران که همسر و پسرها جبهه بودند خیلی به من سخت می‌گذشت. خیلی اوقات تنهایی در خانه می‌ترسیدم. برف‌های سختی در مشهد می‌آمد و من دست تنها برف‌ها را پارو می‌کردم، چون می‌ترسیدم کارگر خبر کنم. با همه این احوال، راضی بودم که این سختی‌ها را تحمل کنم اما پسرها در جبهه باشند و خدمت کنند. همسر شهید ادامه داد: زمانی که دلم برای پسرها تنگ می‌شود، سرم را با کارهای مختلف گرم می‌کنم. برای همین سال‌هاست که اغلب اوقات در حال خیاطی‌ام. وقت‌هایی هم که دل‌تنگی‌ام بیشتر می‌شود، دور از چشم بقیه گریه می‌کنم. هیچ وقت جلو دیگران چیزی بروز ندادم و سعی کردم صبور باشم.

حسرتی در زندگی ندارم

زمانی عنوان کرد: حسرتی در دل ندارم؛ چراکه در آن زمان خیلی از جوان‌ها جذب گروه‌ها و فرقه‌های معاند می‌شدند اما من خدا را شکر می‌کنم که بچه‌هایم در این راه و مسیر حرکت کردند. آن‌ها فرقی با بقیه بچه‌ها نداشتند؛ کسانی که جذب منافقین شدند هم از اول بد نبودند. همین که بچه‌ها عاقبت به خیر شدند برای من کافی است.

جدول ۸۶۳۶

– تیره‌فنگی ۱۴. درآوردنی از روزگار – نام دخترانه وطنی – نوعی مسلسل آلمانی ۱۵. شکست‌خورده – راهی – روشنایی

عمودی:

۱. دستینه – صورت نقاشی‌شده – جغایپشگی ۴. مزه دهان جمع‌کن – باکتری میله‌ای شکل – یار داستانی ۵. کلاه سلطنتی فرانسه – از پسران حضرت آدم(ع) – واحد سنجش سرعت باد ۶. پایتخت جمهوری لسوتو – خودرو – عضو صورت ۷. زمزار – جوش و خروش – لشکری ۸. دنیا – سمت و جهت – لاستیک مرتجع – بی‌آبرو ۹. وجود مطلق هستی‌بخش در زرتشت – مرکب تندرو – شهری در آلمان ۱۰. نیذیرفتن – بهانه بیجا – از اپراتورهای کم‌فروغ تلفن همراه کشورمان ۱۱. عامل تکثیر قارچ‌ها – مقابل صورت دارای دلیلی و مدرک ۱۲. شهری در هرمزگان – رقص سنتی مردم برزیل – دل‌آزار کهنه ۱۳. نوعی کیک حلقه‌ای

طراح جدول: محمدرضا علی‌زاده														
zadehali@ gmail.com														
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

حل جدول شماره قبل

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۲	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۳	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۵	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۷	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۸	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۹	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۰	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۲	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۳	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۴	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲